خراسان بزرگ:سال سوم،شماره(۷)، تابستان۱۳۹۱
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.3, No. 7, Summer 2012

تحلیلی بر ژئوپولیتیک اسلام؛ مطالعهٔ موردی: مذهب شیعه

سیدعطا تقوی اصل [۱]، عزت‌الله عزتی [۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۴/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۶/۱۲

چکیده

اسلام به‌عنوان یکی از ادیان الهی، بعد از مسحیت، بیشترین پیروان را در جهان به خود اختصاص داده و از بیشترین رشد جمعیت در جهان برخوردار است. ظرفیت‌های موجود در این دین، بـه قلمروهـای جغرافیـای معتقد به آن، قدرت ژئوپولیتیکی کم‌نظیری هدیه کرده است که تاکنون، دولت‌های اسلامی و مـردم پیـرو آن نتوانستند از پتانسیل‌های آن بهره‌برداری حداکثری کنند. باتوجه‌به اینکه دین اسلام ایـده‌ای انترناسیونالیسـتی است که در آن هیچ‌یک از مؤلفه‌های محدودکنندهٔ ناسیونالیست اولویت ندارند؛ می‌تواند برای تمام مـردم دنیـا پیام داشته باشد و به بسیاری از معضلات و گرفتاری‌های روحـی و روانـی انسـان پسـت‌مـدرن پاسـخ دهـد. ازطرف‌دیگر، مشترکات موجود در آن، پیروانش را به‌سوی ملتی واحده و تـأثیرگـذاری کارسـازتر در تحـولات منطقه‌ای و جهانی یاری رساند. شیعه به‌عنوان یکی از شاخه‌های مذهبی آن، به‌دلیل تمرکز جغرافیایی و منابع انرژی‌اش، از ویژگی‌های کارآمدتری برای تأثیرگذاری بر تحولات ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک در منطقـه و جهان برخوردار است که این مقاله به آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اسلام، ایران، ژئوپولیتیک، عراق، عربستان سعودی، مذهب شیعه.

۱ . دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد تهران، واحد علوم‌وتحقیقات.
۲. دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات.

مقدمــه

برای ورود به بحث، ابتـدا ژئوپلیتیـک و دیـن را تعریـف کرده و بعد بـه مقدمـه پرداختـه مـی‌شـود: ژئوپولیتیـک عبارت است از علم کشـف روابـط محـیط جغرافیـایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل (عزتی، ۱۳۸۰). کلمـۀ دین از الفاظ مشترک آریـایی و سـامی اسـت و در لغـت عرب قدیم، به‌معنای رسم و عادت و شریعت آمده است. در اصطلاح متعارف، دین، شریعتی است که توسط یکـی از پیغمبران یا مدعیان نبوت آورده شده است و به‌معنـای وسیع‌تر عبارت است از ایمان به نیروی برتـر از طبیعـت بشر و پرستش آن (مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۸).

دین اسلام در قرن هفتم مـیلادی بـا ظهـور پیـامبر بزرگ آن، حضرت محمد(ص) در شبه جزیـرۀ عربسـتان به وجود آمـد و بـه‌عنـوان آخـرین و کامـل‌تـرین دیـن آسمانی، در همان ابتدا با اسـتقبال گسـتردۀ مـردم شـبه جزیره و قلمروی کناره‌ای آن قرار گرفت و عملاً تمـامی جنبه‌های زندگی آنان را تحت‌الشعاع قرار داد و با تجـویز دستورات اخلاقی، تمامی مسلمانان را بدون توجه به نژاد و زبان، به‌صورت جامعه‌ای معنوی درآورد. درحال‌حاضـر، مجموعـۀ عظـیم جغرافیـایی جهـان اسـلام، بـه طـول یازده‌هزار کیلومتر و عـرض بـیش از پـنج‌هـزار کیلـومتر شامل ترکیبی بسیار متنوع ازنظر انسانی و طبیعی اسـت که با داشتن نزدیک به یک‌ونیم‌میلیارد پیرو، بعد از دیـن مسیحیت از بیشترین شمار پیـروان برخـودار اسـت کـه نقطۀ ثقل و مرکز فرماندهی آن، حوزۀ خلیج فاس اسـت. مسلمانان تا آنگاه که رسول خدا زنـده بـود، در اصـول و فروع دین با هم اختلافی نداشتند و اگر در مسائل دین و امور اجتماعی برای ایشان شک و شبهه‌ای پیش می‌آمد، به آن حضرت رجـوع کـرده و رفـع اشـتباه مـی‌کردنـد. سرانجام، پیامبر خدا در ماه ربیع‌الاول سال دهم هجری، در سن ۶۳ سالگی درگذشت مدت نبوت او ۲۳ سال بود. پس از درگذشت پیامبر اسلام(ص)، امت اسلام بـه سـه فرقه از هم جدا شدند:

۱. فرقه‌ای از آن‌ها شـیعه نامیـده شـدند کـه پیـروان و هواخواهان علی(ع) بودند و همۀ گروه‌ها و تیره‌هـــــای بعدی از آن منشعب گشتند.

۲. فرقه‌ای از مسلمانان ادعای حاکمیت و فرمانروایی و سلطنت کردند؛ آن‌ها گروه انصار بودند که مسلمانان را به امارت سعدبن‌عباده خزرجی دعوت می‌کردند.

۳. فرقه‌ای به بیعت ابوبکربن‌ابی‌قحافه تمایل داشتند و چنین بیان کردند که پیامبر(ص) کسی را به جانشـینی معیّن نکرد و امر انتخاب خلیفه را به اختیار امـت اسـلام واگذار کرد که آن‌ها خودشـان هـرکس را مـوردرضـایت آن‌ها باشد، انتخاب کننـد. گروهـی از آن‌هـا بـه روایتـی استناد کرده و گفتند: «پیامبر خدا(ص) در شبی که وفات کرد، ابوبکر را مأمور کرد که به جای او در مسجد بـرای مردم نماز بخواند. این روایت را دلیل شایستگی او بـرای خلافت و امامت دانسـته‌انـد» (اشـعری قمـی، ۱۳۸۲) و گفتند پیغمبر او را برای امر دین ما اختیار کرد و ما وی را برای کار دنیای خـود انتخـاب مـی‌کنـیم و او را درخـور خلافت شمردند. پـس ایـن دسـته، بـا ابـوبکر و عمـر و ابوعبیده‌بن‌جراح و مغیرۀبن‌شعبه، به سـقیفۀ بنـی‌سـاعده رفتند و با انصار که مردم را به سـعدبن‌عبـادۀ خزرجـی و شایستگی او را برای امارت و سـلطنت مـی‌خواندنـد، بـه گفت‌وگو پرداختند. ابوبکر با استناد به روایتی از پیامبر که فرموده بود: «جانشینان من باید از قریش باشد»، انصـار را متقاعد کرد. سپس تودۀ مردم و بیشـتر مسـلمانان بـا ابوبکر شدند و به تبعیـت وی در آمدنـد و پـس از او بـه خلافت عمر گردن نهادند. سپس مسلمانان به یک حـال باقی ماندند تا نوبت خلافت به عثمـان‌بـن‌عفـان رسـید. آنگاه گروهی از ایشان به لغزش‌هـایی کـه از او سـرزده بود، خرده گرفته از در دشمنی و کـین درآمدنـد و بـر او بشوریدند. در واقعۀ عثمان، بیشتر مسلمانان جز اهل خانۀ او و اندکی دیگر، بر دو دسته شدند: گروهـی از یـاری و یاوری او سر باز زدند و دسته‌ای به کشتن او کمر همـت بر میان بسته بودند تا اینکه او را به قتل رسانیدند. چـون عثمان کشته شد، مردم به بیعت علـی(ع) درآمدنـد و بـه جماعت نامیده گردیدنـد (نـوبختی، ۱۳۸۱). سـه خلیفـۀ نخستین، به‌واسطۀ پیمان‌های ازدواج بـه پیـامبر اسـلام

منسوب بودند (ابوبکر به‌سبب ازدواج عایشه با پیامبر، عمر به‌سبب ازدواج حفصه با ایشان و سرانجام ازدواج دو دختر ایشان، رقیه و ام‌کلثوم با عثمان). امام‌علی(ع)، خلیفهٔ چهارم، از حیث نسب، نزدیک‌ترین آن‌ها به پیامبر بود. چه، هم در نسب و هم در سبب حائز این منقبت بود؛ زیرا پسرعم وی بود و همسر دختر او، فاطمه(ع). خلیفهٔ سوم به دودمان بنی‌امیه منسوب بود که دشمنی سرسختانهٔ آن‌ها نسبت‌به رسول اکرم(ص) پیش از رسیدن به قدرت مشهور بوده است (حلبی، ۱۳۷۶). براساس سنت‌های قبیله‌ای و نیز شتاب‌زده، وقتی ابوبکر به‌عنوان خلیفهٔ رسول‌الله انتخاب شد، درواقع جریان نبوت نوعی زاویه پیدا کرد و از آن نقطه، دو خط که در آغاز فاصلهٔ چندانی با یکدیگر نداشتند، شکل گرفت و ادامه یافت. البته عمربن‌خطاب نیز بعدها پذیرفت و اقرار کرد که جریان سقیفهٔ فلته‌ای، کاری شتاب‌زده و غیردوراندیشانه بود. در جریان سقیفه و پس‌ازآن، دو جریان سیاسی و فکری از یکدیگر تمیز داده شد و هریک واژگان کلیدی خود را پیدا کردند: واژگان کلیدی جریان قبیله‌ای، خلافت و اجماع و بیعت بود. واژگان کلیدی جریان علی و یاران او که به شیعه معروف شدند، امامت و ولایت و عصمت بود. جریان خلافت و جریان امامت، سرانجام در خلافت معاویه به نقطهٔ اوج اختلاف خود رسید. ابن‌عباس در واقعهٔ حکمیت در سفارش به ابوموسی می‌گوید: «فراموش نکن که در علی(ع) هیچ کاستی وجود ندارد که او را شایستهٔ خلافت نکند و در معاویه هیچ خصلتی نیست که آن خصلت او را شایسته خلافت سازد (مهاجرانی، ۱۳۸۲).

۲. دیدگاه‌های مطرح‌شده دربارهٔ تاریخ شکل‌گیری اولیهٔ شیعه

شیعه، به‌معنای اتباع، انصار، پیروان، مطاوعت، متابعت و پیروی است و هر گروهی که در امری جمع آیند و از فردی پیروی کنند، شیعه نامیده می‌شود (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳). دراین‌زمینه که شیعه از کی آغاز شده، ازطرف محققان و صاحب‌نظران معاصر، نظریاتی اظهار شده است که مهم‌ترین آن‌ها به قرار زیر است:

۱. اغلب صاحب‌نظران و علمای شیعهٔ دوازده‌امامی معتقدند که شیعهٔ علی(ع)، یعنی پیرو خاص او، در زمان حضرت محمد(ص) وجود داشته‌اند. عموماً در کتب شیعه آمده است: «اصحاب حضرت علی(ع) که در زمان پیامبر به شیعه معروف بودند، چند نفرند که مشهورترین آن‌ها عبارت بودند از: سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و یاسر. چنان‌که یعقوبی در تاریخ خود نوشته، تعداد این یاران علی(ع) ده نفر بوده‌اند که در زمان پیامبر(ص)، به نام شیعهٔ علی از او پیروی می‌کردند (فضایی، ۱۳۸۲). از جابربن‌عبدالله انصاری نقل شده است: «ما نزد رسول‌الله بودیم که علی‌بن‌ابی‌طالب وارد شد و در این هنگام، پیامبر فرمودند قسم به کسی که جان من در قبضهٔ قدرت اوست، این مرد (اشاره به علی) و شیعهٔ او در روز قیامت رستگارانند. آنگاه بود که آیهٔ خیرالبریه نازل شد» (ویکی‌پدیا[1]).

۲. نظریهٔ دوم که آن نیز ازطرف علمای شیعه اظهار شده است، این است که فرقهٔ شیعه بعد از وفات پیامبر و در زمان بروز اختلاف در خلافت در سقیفهٔ بنی‌ساعده و انتخاب ابوبکر به خلافت پدید آمد. آن‌ها که به همراه حضرت علی(ع) از بیعت‌کردن با ابوبکر خودداری کردند، نخستین شیعیان را تشکیل دادند.

۳. نظریهٔ سوم این است که اولین گروه متشکل شیعه، در اواخر خلافت عثمان و اوایل خلافت علی(ع)، به‌وسیلهٔ عبدالله‌بن‌سباء(اصلاً از یهودی‌های یمن بود که به دین اسلام گروید) به وجود آمد. این نظریه را غالب علمای اهل سنت اظهار نموده‌اند؛ چنان‌که دکتر نشار گفته است: «این عقیده که خلافت حق علی است و دیگران حق او را سلب کرده‌اند و گروهی به‌عنوان فرقه‌ای خاص از آن عقیده پیروی کردند، در اواخر

[1] Fa. wikipedia.org

خلافت عثمان به‌وسیلهٔ عبدالله‌بن‌سباء اظهار شده و اشاعه یافت».

۴. گروهی از محققان، آغاز پیدایش و تشکیل شیعه را واقعهٔ تحکیم در جنگ صفین می‌دانند که پس‌ازآن، طرف‌داران علی(ع) به دو دسته از هم جدا شدند: گروهی مخالف علی شدند که همان خوارج بودند؛ دسته‌ای نیز که به حضرت علی(ع) وفادار مانده و او و فرزندانش را امامان بر حق خلفای پیامبر دانستند، فرقهٔ شیعه را تشکیل دادند.

۵. گروه دیگری از اهل نظر معتقدند که تشکیل حزبی و تکون عقیدتی مذهب شیعه، پس از واقعهٔ کربلا و شهادت امام حسین(ع) صورت گرفت؛ چنان‌که دکتر صبحی گفته است: «شهادت امام‌حسین(ع) در تاریخ فکری و عقیدتی شیعه، نقطهٔ تحول مهمی شمرده می‌شود... شیعیان پیش از آن واقعه در فکر و عقیده، نقطه‌نظر واحدی نداشتند. مذهب تشیع پیش از قتل امام‌حسین(ع)، بر یک رأی سیاسی محض نهاده شده بود و هنوز ازنظر فکری و عقیدتی در قلوب و اذهان شیعیان تمرکز نیافته بود؛ اما بعد از شهادت امام‌حسین(ع)، مذهب شیعه با خون‌های شهیدان کربلا ممزوج گشته، دارای تشکل و عقیدهٔ استوار شد و در قلب‌ها و اذهان رسوخ کرد» (فضایی، ۱۳۸۲).

۳. عراق؛ خاستگاه آغازین شیعه

گسترش شیعه در عراق، به تغییر مرکز خلافت حضرت علی(ع) از مدینه که از صدراسلام تا خلافت امام‌علی(ع) مرکز اصلی خلافت سیاسی و فرهنگی دین اسلام بود، به کوفه، برمی‌گردد. حضرت علی(ع) برای حضور در جنگ جمل به عراق آمده بود و بعد از آن در کوفه استقرار یافت و این شهر به‌عنوان اولین مکان جغرافیایی نشر مذهب شیعه درآمد. خلافت ایشان در کوفه زمینه‌ای شد تا مردم عراق و بخشی از ایرانیانی که از گذشتهٔ دور در دوران امپراتوری‌های هخامنشیان و ساسانیان در این کشور سکونت داشته‌اند، با مکتب فکری و عقیدتی ایشان آشنا شوند. علی(ع) با تغییر مکان جغرافیایی نشر معارف دینی از حجاز به بین‌النهرین، استراتژی جدیدی را بعد از رحلت پیامبر اسلام برای گسترش دین اسلام و یافتن پیروان جدید انتخاب کردند. تاریخ نشان داده است که این تصمیم بسیار کارساز بوده است؛ به‌طوری‌که منطقهٔ حضور ایشان و قلمروهای کناره‌ای آن، به‌عنوان مهم‌ترین کانون‌های مکتب فقهی موردنظر ایشان ایفای نقش کردند. بعدازآن، دیگر هیچ‌گاه کسانی که تحت‌عنوان خلافت اسلامی حکومت می‌کردند، به حجاز برنگشتند و مدت شش قرن، شامات و بین‌النهرین و ایران به‌طور متناوب حوزه‌های رقابت ایدئولوژیک بین پیروان امامت با معتقدان به خلافت بود. شیعیان عراق در تاریخ طولانی شکل‌گیری تشیع، باوجود اکثریت جمعیت شیعی، هیچ‌گاه نتوانستند سیاست و حکومت را در عراق به‌دست گیرند و همیشه تحت‌حکومت اهل تسنن یا حکومت‌های با خاستگاه خارجی بودند. حکومت‌های امویان و عباسیان و عثمانیان و بعد از آن، دوران قیومیت، پادشاهی و حزب بعث در قرن بیستم به‌عنوان حکومت‌های سنی، هرگونه شانس و فرصتی را برای تحقق ژئوپلیتیک شیعه در عراق از شیعیان گرفتند تا اینکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای و در رأس آن‌ها ایالات‌متحده، در ابتدای قرن بیست‌ویکم، تقویت ژئوپلیتیک شیعه در عراق را به‌دلیل مهارکردن بنیادگرایی افراطی در منطقه و استفاده از عنصری منطقه‌ای برای توازن ایدئولوژیک، وارد صحنهٔ ژئوپلیتیک خلیج‌فارس کردند تا در رقابت ایدئولوژیک بین وهابیت و شیعه، ظرفیت‌های جهان اسلام را مستهلک کنند و جهت‌گیری بنیادگرایی اسلامی را از نشانه‌رفتن منافع امریکا به‌سمت شیعیان در عراق تغییر دهند.

درحقیقت، امریکایی‌ها با تقویت شیعه‌ای سکولار، علاوه‌بر موارد گفته‌شده، انتقام حملات یازده سپتامبر را از بنیادگرایی افراطی گرفتند و ازطرف‌دیگر، با ارائهٔ مدلی از حکومت شیعی سکولار در عراق، جذبه‌های ایدئولوژیکی انقلاب ایران را برای مسلمانان، به‌ویژه شیعیان کم‌رنگ کردند. عراق، کشوری است که بنابه

ضـرورت منـافع قـدرت‌هـای فرامنطقـه‌ای ایجادشـده، آینده‌ای بسیار مبهم دارد. ازطرفی، تنوع قومی و زبانی و مذهبی آن و ازطرف‌دیگر، منافع متنوع و بعضاً متنـاقض قدرت‌های فرامنطقه‌ای با کشورهای منطقه دربـارهٔ نـوع ساختار سیاسی آیندهٔ آن، چشم‌انداز نقش‌آفرینی عـراق را به‌عنوان کشوری با اکثریت تشیع درراسـتای ژئوپلیتیـک شیعه در منطقه، ناامیدکننده نشان می‌دهـد؛ مگـر اینکـه امریکا در آینده درصدد تحولاتی در عربستان سـعودی و نهایتاً تغییر ساختار سیاسی آن باشد کـه در کوتـاه‌مـدت بعیـد بـه‌نظـر مـی‌رسـد. بنـابراین، عـراق امـروزی بـا چالش‌هایی روبه‌روست کـه نقـش‌آفرینـی آن بـه‌عنـوان قدرت منطقه‌ای را در آینـده در هالـه‌ای از ابهـام نشـان می‌دهد. نوع مسیری که عراق در آینده انتخاب مـی‌کنـد یا بر او تحمیل می‌شود، بستگی به مدیریت چالش‌هـایی دارد که با آن‌ها دست‌به‌گریبان است که نهایتاً در تقویت یا تضعیف قدرت ژئوپولیتیکی ایران بسـیار تعیـین‌کننـده است. برخی از این چالش‌ها عبـارت‌انـد از: تنـوع قـومی (عرب و کرد و ترکمن)، تنـوع مـذهبی (شـیعه و سـنی)، فقدان علت وجودی و اندیشـهٔ سیاسـی فراگیـر، رقابـت ژئـوپلیتیکی بـین مـذاهب شـیعه و وهـابی، فعـال‌شـدن بازمانـدگان بعثـی، اخـتلاف رویکـرد بـین کشـورهای منطقه‌ای ذی‌نفوذ دربارهٔ نوع ساختار آینـدهٔ عـراق، نفـوذ قــدرت‌هــای فرامنطقــه‌ای، اخــتلاف دیــدگاه بــین اسلام‌گرایان و سکولارها و... .

۴. سیر تحول ژئوپولیتیک شیعه در ایران

تشیع در ایران، چند مرحله را گذرانده است؛ به‌طوری‌کـه هریک از آن‌ها فراتر از مرحلهٔ قبل است:

۱. در میان موالی ایران در عراق؛

۲. نفوذ تشیع در بعضی از مناطق مرکزی ایران، همچون قم؛

۳. توسعهٔ گرایشات شیعی با روی‌کارآمدن بنی‌عباس؛

۴. فتح طبرستان به‌دست علویان؛

۵. برپایی حکومت آل‌بویه؛

۶. پس از حملات مغول‌ها؛

۷. روی‌کارآمدن دولت صفویه (عزتی، ۱۳۸۸).

مذهب شیعهٔ امامیه اثناعشری تا پیش از صـفویه، در ایران غیررسمی بود و مذهب اقلیت بـه‌شـمار مـی‌رفـت. کوشش سلاطین آل‌بویه که در قرن چهارم هجـری بـر بعضی از ولایات ایران فرمـانروایی داشـتند و معتقـد بـه مذهب شیعهٔ امامیه بودند، در رسمی‌سـاختن آن مـذهب، به‌علت مخالفت‌های خلفـای بغـداد کـه نفـوذ سیاسـی و دینی بسیار در ایران داشـتند، بـه جـایی نرسـید. بعـد از سقوط خلافت بغداد به‌دسـت هولاکـوی مغـول در ۶۵۶ هجری، یکی از ایلخانـان مغـول بـه‌نـام سـلطان‌محمـد خدابنده، موقتاً مذهب شیعهٔ امامیه را پذیرفت و در سـکه و خطبه، نام ائمهٔ شیعه را نقـش و ذکـر نمـود، ولـی بـاز رسمی‌شدن آن مذهب عقیم ماند؛ لیکن شـیعهٔ در پـرده، دامنهٔ نفوذ خود را بـین مـردم شـهرهای ایـران هـر روز گسترده‌تر می‌ساخت، تااینکه سـربه‌داران در اواخـر قـرن هشتم هجری، اولین حکومت شیعه را در سبزوار که اکثر مردم آن شیعه بودند، تأسیس کردند. بعـد از آن، سـادات مرعشی در مازندران و جهان‌شاه در قرن نهم هجری در آذربایجان حکومت شیعی ایجاد کردنـد. پـیش از ظهـور صفویه، بعضی از شهرهای ایران چـون قـم و کاشـان و سبزوار، معروف بـه شـهرهای شـیعه‌نشـین بودنـد. شـاه اسماعیل صفوی که به دست عده‌ای از صوفیان قزلباش که مذهب شیعه داشتند، روی کار آمـده بـود و در سـال نهصدوهفت هجری، بر تخت سلطنت ایران جلوس کـرد و از همان آغاز پادشاهی، رسمیت مذهب شیعه را به‌جای طریق سـنت و جماعـت اعـلام کـرد. در انـدک مـدتی، مذهب شیعهٔ اثناعشری، بیشتر ولایات ایران را فراگرفت و از آن زمان تاکنون که قریب پانصـد سـال مـی‌گـذرد، شیعهٔ جعفری اثناعشری، مـذهب رسـمی دولـت و ملـت ایران است (مشکور، ۱۳۶۸). درحال‌حاضر، ۹۰تا۹۵ درصد از کل جمعیت ایران را شـیعیان تشـکیل مـی‌دهنـد، امـا موقعیت جغرافیایی اقلیت‌های مذهبی در منـاطق مـرزی ایران، یکی از چالش‌های فعلی و آیندهٔ سـاختار سیاسـی ایران است و هرجا که اقلیت‌هـای قـومی بـر پراکنـدگی مذاهب منطبق می‌شوند، موضوع را پیچیده‌تـر مـی‌کنـد.

به‌نظر می‌رسد که حکومت ایران باید از این فرصت آرامش استفاده کرده و برنامهٔ بلندمدتی برای جذب اقلیت‌های مذهبی در مناطق مرزی اجرا کند که می‌تواند شامل طیف گوناگونی از راهکارها، همچون تأکید بر مشترکات اسلامی در این مناطق و پررنگ‌کردن آن، سرمایه‌گذاری اقتصادی در این مناطق، مشارکت‌دادن بیشتر آنان در لایه‌های میانی مدیریت کشور، اولویت‌قراردادن ساخت بزرگراه‌ها، آزادراه‌ها، راه‌آهن و فرودگاه‌ها در این مناطق و متصل‌کردن آنان به مناطق مرکزی ایران، حذف پذیرش بومی دانشجو در دانشگاه‌های این مناطق برای تبادل فرهنگی بیشتر، تدوین تاریخ مدون و مکتوب از این مناطق و یادآوری‌کردن سابقهٔ طولانی بیش از سه‌هزار سال تعلق آن‌ها به ایران، آزادگذاشتن آنان در انجام مراسمات مذهبی، کاهش زمینه‌های فقر در این مناطق، برقراری تعادل مناسب بین مؤلفه‌های اصلی علت وجودی ایران، یعنی ایرانیت و اسلامیت، به‌دور از هرگونه افراط و تفریط و نهایتاً کشور ایران برای آنکه بتواند از ظرفیت‌های مهم ژئوپولیتیکی مذهب شیعه، درراستای کسب منافع ملی و منطقه‌ای‌اش بهره‌برداری کند، باید پتانسیل‌های مذهب شیعه را در چارچوب دین اسلام و مشترکات آن در راهبردی ملی و منطقه‌ای خود دنبال کند. به‌نظر می‌رسد ایران تاکنون قدم‌های مهمی دراین‌زمینه برداشته است که برخی از آنان از این قرار است: برگزاری همایش‌های گفت‌وگوی تقریب مذاهب اسلامی، برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن مجید، حمایت سیاسی از تمامی مسلمانانی که در هرکجای جهان با هر گرایش مذهبی موردِتعدی قرار می‌گیرند، تقبیح و ممنوع‌کردن لعن به خلفا، اقتداکردن به پیش‌نماز اهل‌سنت در مسجدالحرام، کمک‌های مالی به کشورهای اسلامی با فرق اسلامی دیگر، تقویت سازمان کنفرانس اسلامی برای حل مشکلات جهان اسلام، جلوگیری از مطرح‌شدن اختلافات در تریبون‌های مهم و رسمی، حمایت از حرکت‌های اسلامی در کشورهای مسلمانان، میزبانی مسابقات ورزشی جهان اسلام، هفتهٔ وحدت و...

۵. شیعیان عربستان سعودی

شیعه‌گرایی در استان شرقی به زمان مهاجرت عبدالقیس، قبیله‌ای قدیمی از مرکز عربستان به استان شرقی بازمی‌گردد. بخش‌هایی از این قبایل در زمان خلافت عثمان، به بصره در جنوب عراق رفته و با امام‌علی(ع) طی جنگ‌های جمل و صفین و نهروان از این قبیله بوده‌اند. حمزةالحسن، فعال شیعی سعودی، استدلال می‌کند که شیعه‌گرایی در این منطقه، به زمان پیامبر و به هنگام بروز اختلاف میان ابوبکر و امام‌علی(ع) باز می‌گردد. نمایندگان منصوب در بحرین به امام‌علی(ع) وفادار بودند و از حق وی برای جانشینی پیامبر(ص) حمایت می‌کردند؛ آن‌ها همان کسانی هستند که بذر شیعه‌گرایی را در منطقه کاشتند. بیشتر شیعیان عربستان، دوازده‌امامی هستند که بیشتر در منطقةُ الشرقیه، همان استان شرقی زندگی می‌کنند. شیعیان در این استان به‌لحاظ جمعیتی، جمعیت غالب را تشکیل داده و ازنظر اقتصادی، بزرگ‌ترین منطقهٔ نفتی با گسترده‌ترین تأسیسات پالایش نفت در عربستان سعودی است. درحالی‌که تعداد کمی از شیعیان در دمام، مرکز استان شرقی، ساکن هستند، اکثریت قریب‌به‌اتفاق آن‌ها در شهرها و روستاهای بین دو واحهٔ بزرگ قطیف و حسا زندگی می‌کنند. مجموع کل شیعیان دوازده‌امامی و زیدی و اسماعیلی، ۱۵درصد از جمعیت ۲۶میلیونی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. اسماعیلیان بیشتر در جنوب عربستان ساکن هستند. شیعیان به‌دلیل ارجحیت در جمعیت و جغرافیای استراتژیک، از مهم‌ترین ارکان سیاست سعودی و به‌طورکلی منطقه به‌شمار می‌آیند (ابراهیم، ۱۳۸۶).

مبارزات شیعیان عربستان متأثر از حزب‌الدعوهٔ عراق و انقلاب اسلامی در ایران است که در طول چند دههٔ گذشته، دچار افت و خیزهایی شده است که درحال‌حاضر، به غیر از شیعیان منطقهٔ قطیف که همچنان به مبارزات و راه‌پیمایی‌های خود علیه حکومت سعودی‌وهابی ادامه می‌دهند، بقیهٔ شیعیان عربستان سعودی با رصدکردن تحولات ژئوپلیتیکی این چند دهه

مانند فروپاشی شوروی، پایان‌یافتن جنگ عراق علیه ایران، موفق‌نشدن شیعیان عراق در تأسیس دولت شیعه، کمی نرمش ازطرف حکام سعودی و جایگزینی راه‌حل‌های اصلاح‌طلبانه به‌جای مبارزات انقلابی، راه مماشات با حکومت سعودی را در پیش گرفتند؛ ولی، همچنان نتوانسته‌اند حقوق حداقلی شیعیان عربستان را درزمینه‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی به‌دست آورند.

۶. فِرق شیعه

شیعیان دارای فرق گوناگونی هستند که ازجمله عوامل آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. بعد از رحلت یا شهادت یک امام، دربارهٔ جانشین آن اختلافاتی پیش می‌آمد که به انشعابات در مذهب شیعه منجر شد؛

۲. جنگ‌هایی که اتفاق می‌افتاد و نحوهٔ ادامهٔ آن، باعث اختلافاتی می‌شد که عوامل دیگر ایجاد فرق‌های جدید بود؛

۳. فهم ناقص بعضی از پیروان، از عوامل دیگر انشعابات است؛

۴. به عوامل بالا باید نقش حکومت‌ها، دیگر فرق اسلامی، مکاتب فقهی آن زمان و جوّ سیاسی را اضافه کرد.

در میان فرق شیعه، سه فرقهٔ امامیهٔ اثناعشریه و اسماعیلیه و زیدیه دارای بیشترین پیروان هستند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۶.۱. امامیه

امامیه نام عمومی فرقه‌ای است که به امامت بلافصل حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و فرزندان او معتقدند و گویند که جهان از امام تهی نتواند بود و منتظر خروج یکی از علویانند که در آخرالزمان ظهور کند و جهان را پس از آن، پر از عدل و داد فرماید. کسانی‌که نصب امام را عقلاً بر خداوند واجب دانسته‌اند، شیعهٔ امامیهٔ اثناعشریه‌اند که بنابه قاعدهٔ لطف، آن را عقلاً و نقلاً بر خداوند واجب می‌دانند. شیعهٔ امامیهٔ اثناعشریه، پرجمعیت‌ترین فرقه‌های شیعه است که معتقد به دوازده امام‌اند که از حضرت علی(ع) آغاز می‌شود و به محمدبن‌حسن مهدی آل‌محمد(ص) ختم می‌شود (مشکور، ۱۳۶۸).

۶.۲. اسماعیلیه

اسماعیل فرزند ارشد امام‌جعفرصادق(ع) است که در زمان امام‌صادق(ع) رحلت کرده است. خلفای فاطمی مصر، پیروان این مذهب بوده‌اند که این حکومت از ۹۰۹ الی قرن ۱۲ هجری به‌طول انجامیده و لذا، شاهد تأثیرات زیاد این مذهب در جهان اسلام هستیم که نمونهٔ آن دعوت مبلغان این مذهب در زمان خود و جذب شخصیتی چون ناصرخسرو قبادیانی یا تشکیل قلعهٔ الموت حسن صباح در قزوین و ترور شخصیتی مهم چون نظام‌الملک هستیم. اینان بعد از امام‌جعفر، قائل به امامت اسماعیل فرزند او هستند و درحال‌حاضر، شاهد انشعابات زیر بین اسماعیلیان هستیم:

۱. بهره‌ها: بهره به‌معنای بازرگان است. این فرقه دارای جمعیت زیادی است که بیشتر در هند شرقی و افریقا، به‌ویژه شهر گجرات مستقر هستند و به دو شاخهٔ داوودی و سلیمانی تقسیم می‌شوند.

۲. نزاری یا آقاخانیان: اینان نخست در ایران توسط حسن صباح در قلعهٔ الموت دست به فعالیت گسترده زدند و پس از حملهٔ مغول قلع‌وقمع شدند (سلیمی، ۱۳۹۰).

۶.۳. زیدیه

از فرق معروف شیعه، پیرو زید فرزند زین‌العابدین(ع) هستند. ابوبکر و عمر و علی(ع) را امام می‌دانند. زیدیه به مهدویت اعتقاد ندارند و برای ائمهٔ خود قائل به معجزات و کرامات نیستند. این فرقه از دیگر فرق شیعه به مذهب تسنن نزدیک‌تر است. ایشان در نزد سنیان

بهترین فرقه‌های شیعه هستند؛ زیرا درعین‌حال که علی(ع) را برتر می‌شمارند، امامت ابوبکر را نیز استوار می‌دارند. اما عثمان و طلحه و زبیر را نکوهیده و همراهی و به جنگ بیرون‌شدن با هریک از فرزندان علی(ع) را ازنظر امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر واجب می‌دانند. ایشان در امامت شخص معینی را در نظر نگیرند؛ بلکه هرکه از فرزند علی(ع) خروج کند، از هر بطن و تیره‌ای که باشد، او را امام می‌دانند. زید در جنگ با امویان در کوفه کشته شد. شهرستانی می‌نویسد: «زیدیه، امامت را در اولاد فاطمه می‌دانند و در غیر ایشان کسی را امام ندانند و گویند: هر فاطمی که عالم و زاهد و شجاع و سخی باشد و دعوت امامت کند و خروج نماید، امام واجب‌الطاعهٔ است؛ خواه از اولاد حسن(ع) یا حسین(ع) باشد. زیدیان درحال‌حاضر، دارای ۱۶ فرقه هستند. مردم یمن زیدی‌مذهب‌اند و تا پیش از جمهوریت، امام ایشان در شهر صنعا می‌زیست (مشکور، ۱۳۶۸).

از دیگر فرق شیعه می‌توان به دروزیه در لبنان و نصیریه (علویان) در لاذیقه و سه استان دیگر سوریه اشاره کرد که تعدادشان به ۲میلیون نفر می‌رسد.

۷. عوامل مؤثر در گسترش مذهب شیعه در حوزهٔ خلیج‌فارس

۱.۷. امامان

در دورانی که نخستین مذهب‌های فقهی اهل تسنن شکل‌گیری خود را آغاز کرده بود، شیعیان متعهد کوفه به دامن محمدِباقر(ع) دست زدند تا دشواری‌های شرعی و دیگر مسئله‌های مذهبی مورداختلاف را در پرتو مرجع دانشمندترین کسی از خاندان پیامبر آسان سازند. بدین‌ترتیب، محمدِباقر(ع) بنیان‌گذار مذهب فقهی شیعه گشت (مادلونگ، ۱۳۷۷). دورهٔ زندگی امام‌جعفرِصادق(ع) مصادف با اواخر دورهٔ بنی‌امیه و اوایل روزگار بنی‌عباس بود. به‌سبب اختلافی که امویان و عباسیان داشتند، کمتر مزاحم شیعهٔ امامیه می‌شدند، مظافاً بر اینکه عمر امام صادق(ع) بعد از امام علی، از دیگر ائمه(ع) طولانی‌تر بود. آن حضرت در مدت طولانی امامت خود موفق شد، نظم و ترتیبی به وضع شیعهٔ امامیه بدهد و فقه شیعه را تعلیم فرمایند. ازاین‌جهت، آن حضرت را دانشمند امت اسلام و فقیه آل‌محمد(ص) خوانده‌اند. بیشتر احادیث اعتقادی و فقهی شیعه از آن حضرت روایت شد. بدین‌سبب، فقه شیعه را فقه جعفری گفته و پیروان ایشان را مذهب جعفری نام نهاده‌اند. در مجلس درس آن حضرت که در مدینه تشکیل می‌شد، گروهی از بزرگان حاضر می‌شدند که ازجمله می‌توان به ابوحنیفه و مالک‌بن‌انس و جابربن حیان اشاره کرد.

شهادت مظلومانهٔ حضرت امام‌حسین(ع) و یارانش در واقعهٔ غم‌انگیز کربلا، نزدیک رود فرات در دهم محرم ۶۱ هجری، مطابق دهم اکتبر ۶۸۰ میلادی و هجدهم مهرماه ۵۸ شمسی که به قول الفخری: «محققاً فاجعه‌ای ننگین‌تر از به‌شهادت‌رساندن امام حسین(ع) در اسلام روی نداد»، موجب عکس‌العمل مثبتی در تقویت شیعه و جاودانی آن مذهب شد (مشکور: ۱۳۶۸). استقرار امام رضا(ع) در ایران و مهاجرت ۱۲هزار و ۶۷۳ تن از سادات علوی به ایران را نیز می‌توان اشاره کرد (شیرخانی، ۱۳۸۲).

۲.۷. شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و حوزه‌های علمیه

در بین شخصیت‌ها و علمای مذهبی و مؤثر در گسترش شیعه که تعداد آن‌ها فراوان است، می‌توان به سلمان فارسی، شیخ‌مفید، شیخِ‌طوسی، علامه‌حلی، کلینی، علقمی، محقق کرکی، خواجه‌نصیرالدین طوسی، ابومسلم خراسانی و مختار و همچنین به نقش حوزه‌های علمیهٔ نجف، کربلا، حلّه و قم، در پرورش علمای دینی اشاره کرد.

۳.۷. حکومت‌ها

دراین‌بین، می‌توان به دولت‌های طبرستان، آل‌بویه، ایلخانیان مغول و صفویه اشاره کرد. ازجمله اقدامات این

دولت‌ها، می‌توان به ترویج مراسمات مذهبی و تعمیر و بازسازی بارگاه امامان، بخشودگی مالیات کسانی که به تشیع می‌گرویدند، تعیین مقرری برای علمایی که درزمینهٔ نشر مذهب تشیع تبلیغ و تدریس می‌کردند، تقویت حوزه‌های علمیه، مسامحهٔ مذهبی، ارج‌نهادن به علمای دینی و مشاوره‌گرفتن از آن‌ها اشاره کرد.

۸. موارد اختلاف بین شیعه و اهل‌سنت

مهم‌ترین اختلاف شیعه با اهل سنت و جماعت دربارهٔ جانشینی رسول خداست که شیعه آن را به نفس جلی و خفی و اهل تسنن به اختیار امت می‌دانند. به‌جز این مسئلهٔ اساسی، اختلاف شیعه با سنی در بعضی مدارک و ادلهٔ اجتهاد و نیز پاره‌ای از قواعد و اصول و فروع عبادات و معاملات و نکاح است. عمل به قیاس نزد شیعهٔ امامیه حرام است؛ ولی نزد تمامی فرق اهل‌سنت (به‌جز خوارج و ظاهریه) موردِقبول است. بعضی از علمای سنت و جماعت، مذهب جعفری را کنار مذاهب چهارگانه، مذهب پنجم شناخته‌اند و از مسائل مورداختلاف ایشان با سنت و جماعت، عقد متعه یا زناشویی موقت و بعضی از مسائل ارث و... است.

اعتقادات خاص شیعهٔ امامیه که آنان را از اهل سنت و جماعت متمایز می‌سازد، امامت و ولایت حضرت علی(ع) و اولاد او که ائمهٔ معصومین باشند و عصمت انبیا و امامان، تقیه، بدا و متعه است.

تقیه، یعنی کتمان عقیده و تظاهر به کاری که برخلاف میل باطنی شخص باشد. شرط تقیه در شیعه، ترس بر جان و مال خود یا دیگر شیعیان است، تا خود یا آنان را بدان‌وسیله از گزند دشمنان نگاه دارد. براَثر به‌کاربستن شیوهٔ تقیه بود که شیعیان امامیه توانستند مذهب و آداب و رسوم خود را نگاه دارند و در مورد مقتضی، یعنی در عصر آل‌بویه و صفویه، به تشکیل دولت‌های شیعه موفق شوند.

بدا، عبارت است از این اعتقاد که خداوند عالم مشیتش را برحسب مصالحی تغییر می‌دهد. بنابر مصالح کُونیه، هرگاه بخواهد امری را باطل می‌سازد و به‌جای آن امر دیگری را برقرار می‌نماید. دراین‌صورت، بدا به معنی نسخ است؛ چنان‌که خداوند، امامت اسماعیل‌بن‌جعفر را بنابر مصالح نسخ فرمود و دربارهٔ اسماعیل بدا حاصل شد.

متعه، به ضم میم، به‌معنی تمتع و برخورداری است و آن، نکاح منقطع و موقت است که در اصطلاح عوام شیعه آن را صیغه گویند.

رجعت، به فتح «را» اعتقاد شیعه است به بازگشتن بعضی از مردگان و نیز بعضی مظلومان پیش از قیامت و انتقام‌گرفتن آنان از ظالمان خود؛ بدین‌معنی که ایشان دیگرباره به دنیا باز می‌گردند و زندگی را از سر می‌گیرند. این امر، پس از ظهور حضرت مهدی(عج) واقع خواهد شد. دربارهٔ رجعت، به آیاتی از قرآن مانند سورهٔ کهف اشاره می‌کنند.

برخی دیگر از اختلافات در اعمال مذهبی بین شیعیان و سنیان وجود دارند که می‌توان به بعضی مسائل نماز و آداب وضو و اینکه شیعیان نکاح بی‌گواه را روا بینند، اما طلاق بی‌گواه عادل را روا ندانند (مشکور، ۱۳۶۸).

۹. میراث شیعی منطقه

از باتلاق‌های جنوب عراق تا محله‌های فقیرنشین کراچی، شیعیان همواره تحت‌ستم بوده‌اند و آن‌ها توسط رژیم حاکم سنی و مذاهب اکثریت، موردظلم و حاشیه‌نشینی واقع می‌شده‌اند. انقلاب ایران در ۱۹۷۹، برای اولین بار هویت شیعیان را احیا کرد و تودهٔ شیعیان نیز جرئت الگوبرداری از ایران کردند. این سبب شد تا شیعیا،ن بر حق خود در هر نقطه‌ای از منطقه پافشاری کنند. انقلاب ایران، نه‌تنها مسیر کسب قدرت را به شیعیان نشان داد، بلکه از شیعیان دیگر کشورها نیز برای به‌دست‌آوردن حقوقشان ازنظر مالی و روحی و سازمانی پشتیبانی کرد. گروه‌هایی همچون امل در لبنان، حزب‌الدعوهٔ در عراق، حزب وحدت در افغانستان و

جنبش شیعهٔ جعفری در پاکستان، ازسوی تهران حمایت مالی و سیاسی می‌شدند تا آن‌ها هم بتوانند اهداف خود را دنبال نمایند (نصر، ۱۳۸۷).

از حدود یک‌ونیم میلیارد مسلمانی که در سرتاسر جهان پراکنده‌اند، ۱۰تا۱۵درصد آن‌ها، یعنی بیش از ۱۵۰میلیون نفر، شیعه هستند که بیشتر آن‌ها شیعهٔ دوازده‌امامیه هستند که در حوزهٔ خلیج‌فارس و مناطق کناره‌ای آن زندگی می‌کنند. ازاین‌میان، کشورهای ایران، عراق، بحرین، آذربایجان و لبنان بیشترین تعداد شیعه را دارند. تعدادی از شیعیان در عربستان سعودی، شیخ‌نشین‌های حوزهٔ خلیج‌فارس، پاکستان، افغانستان، هند، تاجیکستان و شرق افریقا حضور دارند. در منطقهٔ مهم و استراتژیک خلیج‌فارس، تعداد شیعیان، ۷۰درصد جمعیت کل منطقه را تشکیل می‌دهد که همین موضوع همراه با استقرار ذخایر عظیم نفت و گاز در قلمروهای محل سکونت آن‌ها، باعث اهمیت‌یافتن ژئوپولیتیک شیعه در منطقهٔ خلیج‌فارس و نقش آن در جغرافیای استراتژیک خاورمیانه شده است.

۱۰. نتیجه‌گیری

بخشی از اختلافات در قلمروهای اسلامی، به‌ویژه در حوزهٔ خلیج‌فارس و شامات، مربوط بر نقشهٔ تحمیلی و مرزهای شکننده‌ای است که اروپاییان بعد از جنگ جهانی اول یا تجزیهٔ امپراتوری نسبتاً طولانی عثمانی، جغرافیای سیاسی منطقه را به‌شدت متأثر کرده تا اهداف بلندمدت خود را تأمین کنند. جنگ و بحران و التهابات پیاپی در هارتلند جهان اسلام، از شکل‌گیری وحدت رویه و هم‌گرایی در موضوعات مبتلابه در جهان اسلام جلوگیری کرده است. بخشی دیگر از اختلاف موجود، مربوط‌به منافع هژمون قدرت در کشورهای اسلامی است. ازطرف‌دیگر، تعدد و تفرق فرق اسلامی باعث تشدید رقابت‌های ایدئوژیک و کاهش نقش اسلام شده است و چهار مکتب فقهی بین پیروان اهل تسنن و بیش از صدها فرقه میان پیروان اهل تشیع، دلایل روشنی بر پراکندگی و تجزیهٔ قدرت ژئوپلیتیکی اسلام در منطقه و جهان است.

مذهب شیعه، عدد جمعیتی حداکثر را در حوزهٔ خلیج‌فارس نشان می‌دهد، اما به دلایل گوناگونی‌های درونی آن همچون تنوعی قومی، تنوع زبانی، فرق گوناگون، نگرش‌های متفاوت سکولار یا مذهبی‌بودن، نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای، رقابت ژئوپلیتیکی دیگر فرق اسلامی، نگرانی‌های متفاوت و بعضاً متضاد کشورهای منطقه دربارهٔ مسائل پیش رو و نوع ساختارها، کم‌رنگ‌شدن نقش ایدئولوژی‌ها در هم‌گرایی و...، نقش‌آفرینی قدرت ژئوپلیتیکی مذهب شیعه را در آیندهٔ منطقه مبهم و دشوار نشان می‌دهد و به‌نظر می‌رسد تحقق قدرت مذهب شیعه در میان‌مدت و بلندمدت، منوط به بازی‌کردن در قالب ژئوپلیتیک اسلام و حرکت درجهت اشتراکات در دین اسلام است.

فهرست منابع

اشعری قمی، سعدبن‌عبدالله ابی‌خلف(۱۳۸۲)؛ **تاریخ عقاید و مذاهب شیعه**، مترجم: دکتر یوسف فضایی، چ۱، تهران: آشیانۀ کتاب.

ابراهیم، فؤاد(۱۳۸۶)؛ شیعیان عربستان سعودی، مترجمان: **سلیمه درامی و فیروزه میررضوی**، چ۱، تهران: مؤسسۀ فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار.

ترکمنی آذر، پروین(۱۳۸۵)؛ **تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران**، چ۲، تهران: مؤسسۀ شیعه‌شناسی.

حلبی، علی‌اصغر(۱۳۷۶)؛ **تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام**، چ۲، تهران: اساطیر.

سلیمی، بشیر(۱۳۹۰)؛ **شیعه‌شناسی و آشنایی با مذاهب اسلامی**، چ۲، مؤسسۀ فرهنگی‌هنری مشعر.

شیرخانی، علی(۱۳۸۲)؛ **تشیع و روند گسترش آن در ایران**، چ۱، تهران: دفتر نشر معارف.

عزتی، عزت‌الله(۱۳۸۳)؛ **ژئوپلتیک در قرن بیست‌ویکم**، چ۱، تهران: سمت.

عزتی، عزت‌الله(۱۳۸۸)؛ **ژئوپلتیک شیعه**، چ۱، تهران: فردانش.

فضایی، یوسف(۱۳۸۲)؛ **مقدمه‌ای بر کتاب تاریخ عقاید و مذاهب شیعه**، تألیف سعدبن‌عبدالله‌بن‌ابی‌خلف اشعری قمی، چ۱.

مدیر شانه‌چی، کاظم(۱۳۶۸)؛ **مقدمه‌ای بر کتاب فرهنگ فرق اسلامی**؛ تألیف دکتر محمدجواد مشکور، چ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مهاجرانی، سیدعطاءالله(۱۳۸۲)؛ **بررسی سیر زندگی و حکومت سلمان فارسی**، چ۱، تهران: اطلاعات.

مشکور، محمدجواد(۱۳۶۸)؛ **فرهنگ فرق اسلامی**، چ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مادلونگ، ویلفرد(۱۳۷۷)؛ **فرقه‌های اسلامی**، مترجم: دکتر ابوالقاسم سری، چ۱، تهران: اساطیر.

نصر، ولی(۱۳۸۷)؛ **پیامدهای منطقه‌ای ناشی از احیای شیعه در عراق**، مترجم: علی پورقلی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

نوبختی، حسن‌بن‌موسی (۱ ۳۸۱)؛ **فرق‌الشیعه**، مترجم: محمدجواد مشکور، چ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

Http: fa.wikipedia.org